

کاربست نظریه گفتمان در آینده پژوهی انتخابات:

مطالعه موردی آخرین مناظره تلویزیونی کاندیداهای ریاست جمهوری دوره یازدهم

حامد طالبیان¹، محمد مهدی مولایی²

1- مربی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

hamed.talebian@gmail.com

2- دانشجوی دکترای علوم ارتباطات، دانشگاه تهران

mm@mowlaei.ir

چکیده

انتخابات ریاست جمهوری سال 1392 ایران همچون دیگر انتخابات‌ها میدان رقابت گفتمانی کاندیداهای اصلی ریاست جمهوری بود. بر این اساس در این پژوهش کاربرد نظریه گفتمان لاکلا و موفه در آینده‌پژوهی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم مطالعه شده است. آخرین مناظره تلویزیونی کاندیداهای ریاست جمهوری یکی از اصلی‌ترین برهه‌هایی است که به طور نمادین، پرونده هسته‌ای ایران را به دال محوری گفتمان‌های رقیب تبدیل کرد و عناصر دیگر گفتمانی از جمله مشکلات اقتصادی را با آن مفصل‌بندی کرد. بدین ترتیب پیرامون دال مرکزی پرونده هسته‌ای دو گفتمان رقیب «مقاومت» و «نجات» شکل گرفت که «جلیلی» و «روحانی» به ترتیب آن‌را نمایندگی می‌کردند. این دو گفتمان با مفصل‌بندی نشانه‌های مختلف پیرامون دال مرکزی پرونده هسته‌ای تلاش می‌کردند تا به تثبیت نظام معنایی مورد نظر خود بپردازند و با راندن سرریز معنا به حوزه گفتمان‌گویی به هویت‌سازی بپردازند و کفه ترازوی خود/دیگری را هرچه بیشتر به سود خود سنگین کنند. در همین حال فضای گفتمانی متفاوت با صف‌آرایی سیاسی، به انفعال گفتمانی «قالیباف»، یکی از کاندیداهای دارای رتبه بالا و شکست دوباره او در این انتخابات منجر شد. پس از شناسایی تقابل‌های گفتمانی در این مناظره انتخاباتی، چنین نتیجه گرفته شده است که از تحلیل گفتمان می‌توان به عنوان ابزاری مناسب برای آینده‌پژوهی انتقادی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، آینده‌پژوهی انتقادی، گفتمان‌های سیاسی ایران، آینده‌پژوهی انتخابات، مناظره تلویزیونی

The Application of Discourse Theory in Election Futures Studies: The Case Study of The Last TV Debate Among 11th Presidential Election's Candidates of Iran

Hamed Talebian¹; Mohammad Mahdi Mowlaei²

¹ Lecturer of Culture, Art and Communication Research Institute, Tehran, Iran
hamed.talebian@gmail.com

² Ph.D. Student, Department of Communication, Tehran University, Terhan, Iran
mm@mowlaei.ir

Abstract

As the other elections, 11th Iran's Presidential election in 2013 was the battlefield of discursive rivalry of main presidential candidates. According to this, the application of laclau & mouffe's discourse theory in futures study of 11th presidential election is studied in this research. The last TV debate of presidential candidates is one of the main moments, which turn symbolically the Iran's nuclear file up to nodal point of competing discourses, articulating other discursive elements such as economic problems. Thus, around the nodal point of nuclear file, two antagonism discourses, "rescue" and "resistance", whose representatives were "Rouhani" and "Jalili" respectively, were established. Articulating different signs around the nodal point of nuclear file, these discourses were struggling to stabilize their own system of meaning, constructing the identity by driving meaning surplus to the field of discursivity & helping to tip the self/otherness balance in favor of their own interest. Meanwhile, discursive sphere distinct from political alliance, result in the discursive passivity of "Ghalibaf" –the mayor of Tehran and one of highly rated candidates- and his defeat again in that election. After identification of discursive contradictions in this election debate, it conclude that discourse analysis can be used as an appropriate tool for critical futures studies.

Keywords: Discourse Analysis, Critical Futures Studies, Iran's Political Discourses, Election Futures Studies, TV debate.

1. مقدمه

مطالعات انتخابات یکی از حوزه‌های کم و بیش شناخته شده در علوم انسانی و علوم اجتماعی است. این مطالعات در رشته‌های مختلف حقوق و علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، ارتباطات، روانشناسی و دیگر رشته‌ها با اهداف مختلف صورت می‌گیرد و انجام پیمایش‌های افکارسنجی پیش و پس از انتخابات یکی از شناخته‌شده‌ترین مطالعات انتخابات در جهان است. در علوم اجتماعی، افکارسنجی‌ها یا پیمایش‌های ملی درباره انتخابات پیش از روز برگزاری انتخابات معمولاً با دو هدف پیش‌بینی و تأثیرگذاری بر انتخابات انجام می‌گیرند.

به کمک روش‌های آماری استنباطی و قابل تعمیم، پیمایش‌های معتبری مانند آنچه موسسه گالوپ در امریکا انجام می‌دهد، چندین روز پیش از برگزاری انتخابات، برنده را با درصد اطمینان بالایی پیش‌بینی می‌کنند. خدمات سازمان‌هایی مانند گالوپ به صنایع، اقتصاد، احزاب، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان سبب می‌شود که آن‌ها بتوانند پیش از اعلام نتایج نهایی خود را برای دوره جدید حیات سیاسی آماده کنند. افکارسنجی‌های رسانه‌ای و حزبی پیش از برگزاری انتخابات نیز معمولاً با هدف تأثیرگذاری بر انتخابات صورت می‌گیرد تا هواداران یک حزب یا گفتمان سیاسی را ترغیب به شرکت در انتخابات یا رأی دادن به فردی کنند که به نظر برنده نهایی است. با توجه به موارد فوق می‌توان گفت هرچند که آینده‌پژوهی انتخابات یکی از حوزه‌های نه چندان شناخته شده آینده‌پژوهی است، اما اهداف و حوزه‌های مطالعاتی آینده‌پژوهی در مطالعات انتخابات نیز توسط رشته‌های علمی دیگر به کار گرفته شده است.

آینده‌پژوهی انتخابات را با توجه به مفهوم زمان می‌توان بهتر طبقه‌بندی کرد. در معرفت‌شناسی‌های رایج تجربی در رشته آینده‌پژوهی، زمان معمولاً ماهیتی خطی و یکسویه دارد و هدف آینده‌پژوهی پیش‌بینی سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب برای آینده یک پدیده است. اما معرفت‌شناسی‌های انتقادی در آینده‌پژوهی رویکرد دیگری به مفهوم زمان و هدف آینده‌پژوهی دارد. در معرفت‌شناسی انتقادی هدف آینده‌پژوهی نه یافتن راه‌های بهتر برای پیش‌بینی آینده که توجه به این نکته است که وقوع یک زمان خاص، به معنای منتفی شدن سایر امکان‌های وقوع در زمان حال است. به بیان ساده، حال است که توسط تاریخ و گذشته برساخته می‌شود و آینده را شکل می‌دهد. بنابراین، هدف آینده‌پژوهی انتقادی، توجه به شرایط برساخته شدن واقعیت از طریق زبان و قدرت در زمان حال است. به بیان دیگر، هدف آینده‌پژوهی انتقادی نه پیش‌بینی آینده‌ها که توجه به دلایل وقوع واقعیت در زمان انتخابات است که در آینده برنده انتخابات و برساخت واقعیت پس از آن را رقم می‌زند. بر این اساس، تحلیل گفتمان مناظره انتخاباتی میان کاندیداهای اصلی ریاست جمهوری در تلویزیون یکی از بهترین موردها برای مطالعه یکی از برهه‌های حساس و اصلی برساخت واقعیت انتخاباتی در سال 1392 است. هدف این مقاله مطالعه آخرین مناظره تلویزیونی میان کاندیداهای انتخاباتی یک هفته مانده به انتخابات در سال 1392 است که نه تنها از پوشش گسترده تلویزیونی برخوردار بود و شاید پربیننده‌ترین برنامه انتخاباتی بود، که نزدیکی آن به زمان برگزاری انتخابات و تمرکز آن بر موضوعات سیاسی، سبب شد که این مناظره به کارزار اصلی رقابت گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی مختلف موجود در ایران تبدیل شود. با کاربست تحلیل گفتمان انتقادی که یکی از روش‌نظریه‌های مرتبط با آینده‌پژوهی انتقادی است، در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا نشان دهیم که چگونه استفاده از روش‌شناسی‌های انتقادی نه تنها برساخت واقعیت انتخاباتی را افشا می‌کند که همچنین می‌تواند با رویکردی کیفی برنده‌های دارای شانس بیشتر برای پیروزی در انتخابات را نیز شناسایی کند.

2. آینده‌پژوهی انتقادی

آینده‌پژوهی به‌عنوان دانش مدرن کاوش و مطالعه آینده در سال‌های اخیر با نشان دادن کارایی خود به‌عنوان دانش مورد نیاز برای عصر جدید با رشد و شکوفایی قابل توجهی همراه بوده است. به تعبیر وندل بل، آینده‌پژوه برجسته، «آینده‌پژوهی را می‌توان نقطه‌ای تازه برای مسیری طولانی دانست» (بل، 2003). در این مسیر طولانی و در حال گذار مجموعه گسترده‌ای

از پژوهشگران، دانشگاهیان و نویسندگان در سراسر دنیا زیر عنوان پژوهش و مطالعه آینده مشغول فعالیت هستند. در این مجموعه افرادی از حوزه‌های مختلف دانش و با رویکردهای متفاوت حضور دارند. گروهی از مهندسان و دانشمندان علوم طبیعی، بخشی از برنامه‌ریزان و استراتژیست‌های سازمان‌ها و شرکت‌ها، تعدادی از اندیشمندان علوم اجتماعی و رفتاری، فرهنگ پژوهان، اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان، برخی از روشنفکران سیاسی منتقد، سیاست‌گذاران سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، گروه‌هایی هستند که موضوعات متفاوتی درباره آینده را موضوع کار و پژوهش خود قرار می‌دهند و به‌نوعی می‌توانند آینده‌پژوه باشند. این گستردگی و تنوع قابل توجه باعث شده نتوان از یک نوع آینده‌پژوهی واحد سخن گفت. به‌عبارتی گونه‌های متفاوتی از آینده‌پژوهی وجود دارد که در هر گونه افرادی از حوزه‌های دانش و فعالیت حرفه‌ای حضور دارند و فراتر از آن اهداف، رویکردها و روش‌های متفاوتی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند (مولایی، 1393).

سیپل عنایت‌الله (1990 و 2006) چهار نوع اصلی آینده‌پژوهی را بر اساس معرفت‌شناسی‌های متفاوت شامل آینده‌پژوهی پیش‌بینی‌کننده، آینده‌پژوهی فرهنگی، آینده‌پژوهی انتقادی و آینده‌پژوهی مبتنی بر یادگیری/پژوهش برشمرده که از جمله مطرح‌ترین نوع‌شناسی‌هاست و در این مقاله مورد توجه ما قرار دارد.

اندیشه پساساختارگرایانه که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی گسترش پیدا کرد تمامی حوزه‌های دانش از جمله آینده‌پژوهی را تحت تاثیر قرار داده است و شکل‌گیری «آینده‌پژوهی انتقادی» در تداوم همین پروژه است (مولایی، 1393). آینده‌پژوهی انتقادی که در اینجا معرفی می‌شود بر اساس نظرات میشل فوکو بنا شده و برای فهم آن لازم است دستگاه نظری فوکو را بشناسیم. پساساختارگرایی فوکویی به دنبال تعقیب قدرت است تا جایی که قدرت جایی برای پنهان شدن نداشته باشد. عنایت‌الله «برساخته اجتماعی بودن» واقعیت را از مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها برای این نوع آینده‌پژوهی بر می‌شمرد (عنایت‌الله، 1990). این نوع آینده‌پژوهی پیوندی ناگسستنی با مطالعه تاریخ دارد.

در این رویکرد آنچه اهمیت دارد یافتن راه‌های بهتر برای پیش‌بینی آینده نیست، بلکه هدف توجه جدی‌تر به زمان حال است که زمینه‌ساز آینده خواهد بود. پروژه اصلی نشان دادن این مسئله است که واقعیت به دلایل مختلفی به وقوع می‌پیوندد و به‌وقوع پیوستن در یک زمان خاص، به‌معنای منتفی شدن سایر امکان‌های وقوع زمان حال است. هدف نگاه فوکویی ساختارشکنی این مسئله است که ما چگونه جهان‌مان را از طریق زبان و فعالیت‌های مان زمان‌بندی می‌کنیم (عنایت‌الله، 1990).

عنایت‌الله روشی با عنوان «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» را به‌عنوان ابزاری برای آینده‌پژوهی انتقادی معرفی کرده است (عنایت‌الله، 1998). او تلاش کرده مباحث معرفت‌شناختی مطرح شده در پساساختارگرایی فوکویی را در قالب روشی کاربردی برای آینده‌پژوهی عرضه کند. با استفاده از این روش مسائل و مشکلات در چهار سطح که رابطه‌ای لایه‌ای دارند مطالعه می‌شوند. این روش در مرحله اول به بافت (یعنی تعریف چارچوب مسأله و خلق راه حل‌ها)، سپس سطوح افقی (شناسایی مسأله) و در قدم بعد به سطوح عمودی در چهار لایه لیتانی (توصیف رسمی موضوع مورد مطالعه)، نظام اجتماعی، گفتمان و جهان‌بینی و تحلیل اسطوره و استعاره می‌پردازد. همان‌طور که دیده می‌شود توجه به گفتمان در یکی از لایه‌های روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها آمده است، هرچند که جزئیات بیشتری درباره تحلیل گفتمان در این روش لحاظ نشده است. نویسندگان این مقاله با بهره‌گیری از نظریه گفتمان لاکلا و موفه درصدی توسعه این وجه از آینده‌پژوهی انتقادی بوده و تحلیل گفتمان را در جایگاه ابزاری برای آینده‌پژوهی کیفی به آزمون نهاده‌اند.

3. نظریه و تحلیل گفتمان

پژوهشگران مختلف، روش‌های مختلف تحلیل گفتمان را بر اساس ملاحظات نظری، روش‌شناختی و حوزه‌های مطالعاتی به شیوه‌های گوناگونی تقسیم کرده‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹ و میلز، 1388). هدف نهایی در تحلیل گفتمان، نه تحلیل

معنا و شگردهای ادبی یک متن که تحلیل شرایطی است که معنا در آن تولید می‌شود و از همین رو، در این رویکرد، «به تحلیل نهادهای مولد معنا و بازتولیدکننده گفتمان تأکید می‌شود. روند حرکت از متن به نهادهای مولد گفتمان و یا گفتمان‌های کلان‌تر بر سازه‌ی یک متن، خواست نهایی تحلیل گفتمان در آشکار ساختن رابطه میان متن، قدرت و ایدئولوژی است» (تنهایی، راودراد و مریدی، 1389، ص 16). نظریه گفتمان، یکی از نظریه‌روش‌های رایج در تحلیل گفتمان است که از سوی ارنست لاکلا و شانتال موفه مطرح شده است. لاکلا و موفه از طریق بازخوانی و ساختارشنکی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران، نظریه گفتمان خود را شکل داده‌اند (سلطانی، 1387، ص 70).

در حالی که برخی شیوه‌های تحلیل گفتمان، از جمله تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (1379) و وندایک (1387)، به تحلیل‌های خرد از گفت‌وگوها و پیام‌های رسانه‌ای توجه می‌کنند، شیوه لاکلا و موفه بیشتر به الگوهای عام و فراگیر توجه دارد و با کمک آن می‌توان نقشه‌ای انتزاعی از گفتمان‌هایی تهیه کرد که در یک زمان مشخص و یک قلمرو اجتماعی خاص جریان دارند (یورگنسن و فیلیپس، 1389، ص 47). علاوه بر این، در شیوه‌های دیگر، مانند الگوی فرکلاف، به دو دسته نظریه و ابزار تحلیلی نیاز است چرا که در کار او فرض بر تفکیک امور گفتمانی از غیرگفتمانی وجود دارد، ولی لاکلا و موفه همه امور را گفتمانی می‌دانند و از این روی می‌توان با به‌کارگیری مدل آنها تنها یک مجموعه نظریه و روش تحلیلی را به‌کار گرفت (مولایی، 1390، ص 136). در نظر آنها، گفتمان نه تنها زبان بلکه همه پدیده‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. با توجه به این ویژگی‌ها، نظریه و روش برآمده از آن، امکان مناسبی برای تحلیل فضاهای اجتماعی در ضمن توجه به زبان فراهم می‌کند.

لاکلا و موفه در کتاب‌شان در بخش «مفصل‌بندی و گفتمان» به موضوع گفتمان می‌پردازند. از دیدگاه لاکلا و موفه، مفصل‌بندی هرگونه عملی است که به تثبیت رابطه بین عناصر منجر می‌شود، به طوری که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تغییر کند. آنها به کلیت ساختار یافته‌ای که در نتیجه عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان می‌گویند (لاکلا و موفه، 1985، ص 105) و نشانه‌های زبانی تا زمانی که در یک مفصل‌بندی قرار نگرفته‌اند، دال‌هایی شناور (عناصری) هستند که معانی یا مدلول‌های مختلفی را می‌توان به آنها منتسب کرد. عمل مفصل‌بندی، مستلزم تثبیت معنای تعدادی از نشانه‌ها پیرامون یک دال مرکزی است. مفهوم مفصل‌بندی در اینجا به معنای گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آنها در یک هویت جدید است (هوارث، 1379، ص 140).

در به‌کارگیری این مدل، شناسایی دال‌های مرکزی اهمیت زیادی دارد. هر گفتمان به طور طبیعی، یکی از معانی یا مدلول‌های دالی را تثبیت می‌کند که در یک مفصل‌بندی گفتمانی، با یک دال مرکزی در ارتباط قرار گرفته است. پس از شناسایی دال‌های مرکزی و زنجیره‌های شباهت در هر گفتمان، می‌توان به این مسئله دقت کرد که این دال‌های مرکزی در دیگر گفتمان‌ها چطور تعریف شده‌اند؛ بنابراین، همیشه نشانه‌هایی هستند که در یک گفتمان مفصل‌بندی نمی‌شوند و یا مدلول‌ها یا معانی‌ای هستند که از یک مفصل‌بندی گفتمانی طرد می‌شوند؛ به این معانی یا مدلول‌ها، عناصر گفتمانی گفته می‌شود و «میدان گفتمان»، سرریز معانی (دال‌های شناور) یا نشانه‌هایی (عناصری) است که با هدف تثبیت نظام معانی در یک گفتمان به حاشیه رانده شده‌اند (لاکلا و موفه، 1985، ص 111).

لاکلا و موفه به این نکته اشاره نکرده‌اند که آیا میدان گفتمان توده بی‌سروشکلی از همه معانی خارج از گفتمان است یا ممکن است حوزه‌ای باشد که توسط گفتمان‌های رقیب ساختمان شده باشد (سلطانی، 1384، ص 78). یورگنسن و فیلیپس برای از بین بردن این ابهام، پیشنهاد می‌کنند که در کنار میدان گفتمان که مجموعه ساختمان‌دنده عناصر طرد شده از یک گفتمان است، از نظم گفتمانی استفاده شود که به معنای مفصل‌بندی موقت عناصری است که می‌توانند در ضدیت با گفتمانی دیگر به کار روند؛ بنابراین، بخش نظام یافته یک میدان گفتمان، گفتمان دیگری است که در نزاع با آن گفتمان قرار دارد. هر چند که هر گفتمان، بخشی نظام یافته از میدان گفتمان رقیب است اما بنا بر موقعیت آن گفتمان به لحاظ اجتماعی و

تاریخی می‌توان از هژمونیک بودن یا مقاومت کردن (پادگفتمان) آن سخن گفت (یورگنسن و فیلیپس، 1389، صص 60، 90). گفتمان‌های رقیب یک گفتمان مسلط، تلاش می‌کنند تا با ساختارشکنی معنای تثبیت شده در یک مفصل‌بندی گفتمانی و یا جایگزین کردن یکی از عناصر مستقر در میدان گفتمان، هژمونی گفتمان مسلط را به چالش بکشند. با مطالعه شیوه‌هایی که گفتمان‌های رقیب برای نسبت دادن معنایی خاص به دال‌های سیال به کار می‌برند، می‌توان به نزاع‌های موجود بر سر معنا دست پیدا کرد (یورگنسن و فیلیپس، 1389، ص 62). اینکه در گفتمان‌های رقیب بر سر معنای کدام نشانه‌ها نزاع وجود دارد و اینکه کدام نشانه‌ها معنای‌شان تثبیت شده، دارای اهمیت است.

4. پیشینه پژوهش

تحلیل گفتمان با استفاده از نظرات لاکلا و موفه در سال‌های اخیر در پژوهش‌هایی متنوعی استفاده شده که برخی از آنها در رابطه با مطالعه انتخابات ریاست جمهوری بوده‌اند. تاجیک و روزخوش (1387) بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان را موضوع مطالعه خود قرار داده‌اند. در این پژوهش دال مرکزی و دقایق گفتمان نامزدهای دو دور انتخابات دور نهم تحلیل شده است. این مطالعه نشان داد در انتخابات سال 1384 دال مرکزی گفتمان احمدی‌نژاد «ولایت فقیه» بوده و دولت اسلامی، توسعه اقتصادی اسلامی، تهاجم فرهنگی، عدالت اجتماعی و رشد سیاسی دقایق این گفتمان بوده‌اند. در گفتمان هاشمی رفسنجانی «کلیت نظام» به‌عنوان دال مرکزی و تحزب، توسعه، اعتدال‌گرایی و حفظ ثبات کشور دقایق آن بودند. در گفتمان مهدی کروبی «جمهوری اسلامی با قرائت امام خمینی» دال مرکزی و توسعه همه‌جانبه، دولت مقتدر، عدالت اجتماعی و بهبود معیشت مردم دقایق این گفتمان بودند. در گفتمان مصطفی معین «دموکراسی» نقش دال مرکزی را ایفا می‌کرد و قانون‌گرایی، حقوق بشر، تعامل با جهان و آزادی بیان دقایق این گفتمان را تشکیل می‌دادند. در گفتمان لاریجانی «دولت مدرن» به عنوان دال مرکزی و کارآمدی، عمل به توصیه‌های رهبری، مبارزه با فساد و تبعیض و عدالت به عنوان دقایق آن بودند. این پژوهشگران در تبلیغات محمدباقر قالیباف و محسن مهرعلیزاده مفصل‌بندی منسجمی از دال‌ها و نشانه‌ها را قابل استخراج ندانسته‌اند.

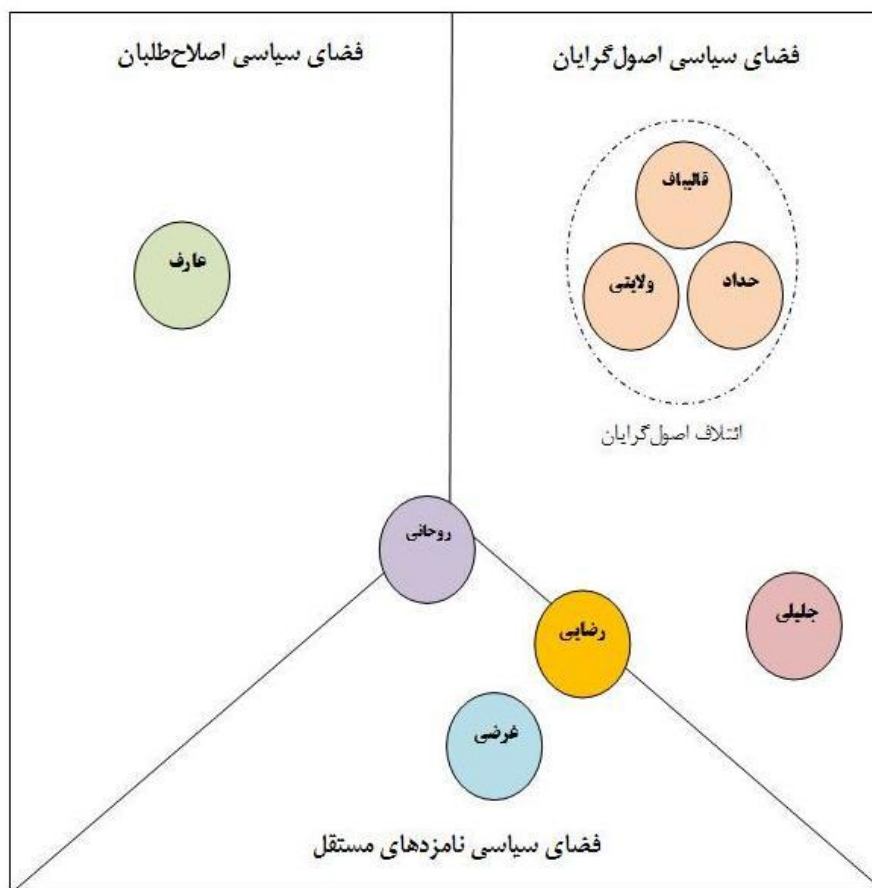
دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز موضوع مطالعه جهانگیری و فتاحی (1390) بوده و این پژوهش تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد مورد توجه بوده است. مطالعه آنها نشان می‌دهد «مدیریت مردمی» دال برتری است که به این گفتمان انسجام بخشیده و سایر دال‌ها حول آن مفصل‌بندی شده است. عناصر دیگر گفتمان احمدی‌نژاد شامل عزت و سربلندی ایران، مدیریت جهانی، ملت ایران، ارزش‌های انقلاب، توانمندی ملی و پیشرفت هستند. این گفتمان در ضدیت با «مدیریت منفک از مردم» قرار دارد و بدین ترتیب دیگری‌های آن شامل این افراد هستند: کسانی که در برابر مردم و منافع ملی قرار گرفته‌اند، مدیرانی که از مردم و ارزش‌های انقلاب فاصله دارند، دنبال‌کنندگان سیاست تنش‌زدایی و نرمش در مواجهه با تهدید تحمیل‌کنندگان شرایط نامناسب به ملت ایران، بدخواهان بشریت، کسانی که فشارهای اقتصادی را با تحریم‌های بی‌سابقه بر ملت تحمیل کردند، کسانی که علیه دولت اقدام به کارشکنی کردند.

علاوه بر موضوع انتخابات، از روش تحلیل گفتمان با رویکرد لاکلا و موفه برای تحلیل موضوعات دیگری از جمله سازوکارهای کلان قدرت، سینما، موسیقی و رمان نیز استفاده شده است. سلطانی در اولین مطالعات انجام شده با این رویکرد، این روش را برای مطالعه سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران (سلطانی، 1384) و تحلیل گفتمانی فیلم (سلطانی، 1386) استفاده کرده است. محسنی (۱۳۸۸) این روش را برای مطالعه گفتمان‌های دینی (اسلامی - شیعی) در وبلاگستان زبان فارسی و مولایی (1390) برای گفتمان‌های مردانگی در موسیقی رپ ایرانی-فارسی به کار گرفته‌اند. تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۹۰) و مطالعه موردی فیلم کتاب قانون

به‌منظور شناسایی تحلیل بازنمایی گفتمان‌های دینی در سینمای ایران (راودراد، سلیمانی و حکیمی، ۱۳۹۱) دو نمونه دیگر از کاربست این روش برای تحلیل گفتمان هستند.

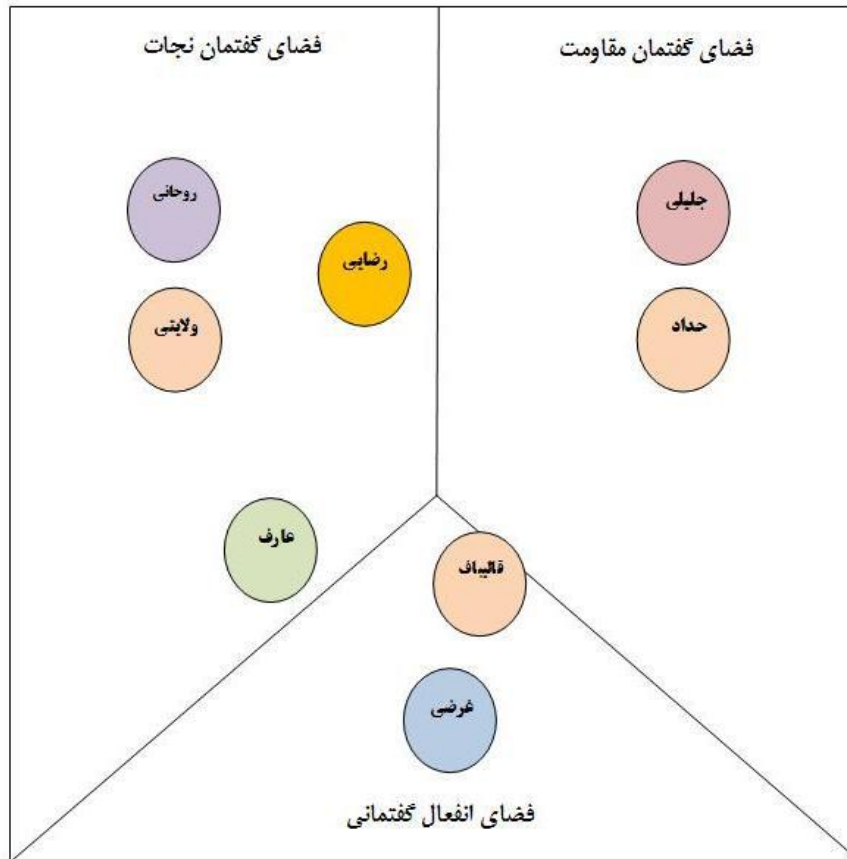
5. رقابت گفتمانی در انتخابات یازدهم

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری هرچند در مبنای رقابت سیاسی سامان یافته بود، اما در نهایت با فروپاشی مرزبندی‌ها و ائتلاف‌های سیاسی به رقابتی گفتمانی تبدیل شد و سرنوشتش از این مسیر رقم خورد. رقابت انتخاباتی یازدهمین دوره بر مبنای دوگانه سیاسی اصلاح‌طلبان/اصول‌گرایان آغاز شد، هر چند در ادامه جریان نوظهوری با عنوان اعتدال‌گرایان نیز در فضای سیاسی کشور اعلام حضور کرد. پس از اعلام نتایج احراز صلاحیت نامزدهای داوطلب توسط شورای نگهبان مشخص شد که در سویه اصول‌گرایان هر سه نامزد اصلی اصول‌گرایان یعنی قالیباف، ولایتی و حداد که تشکیل‌دهنده بزرگ‌ترین ائتلاف سیاسی انتخاباتی بودند در رقابت حضور خواهند داشت. علاوه بر این سه، جلیلی نیز نماینده بخش دیگری از جریان اصول‌گرا بود. همچنین روحانی و رضایی نیز که سابق بر این با هویت اصول‌گرایانه‌شان شناخته می‌شدند با هویت‌های سیاسی مستقل و اعتدال‌گرا در رقابت حضور پیدا کردند. از جریان اصلاح‌طلب نیز با نظر شورای نگهبان تنها عارف فرصت حضور در رقابت نهایی را پیدا کرد. نامزد هشتم نیز غرضی بود که خود را به‌عنوان نامزدی خارج از دو جریان اصلی اصلاح‌طلبان/اصول‌گرایان معرفی می‌کرد. روند رقابت بر مبنای دسته‌بندی سیاسی هرچند که در طول رقابت انتخاباتی دستخوش تغییراتی شد اما تقریباً تا برگزاری مناظره تلویزیونی سوم نامزدها همچنان حفظ شده بود. صف‌آرایی نامزدهای انتخاباتی در مناظره سوم با موضوع «سیاست» بر مبنای موقعیت سیاسی در «شکل 1» ترسیم شده است.



شکل 1: نقشه صف‌آرایی نامزدهای انتخاباتی در مناظره سوم بر مبنای موقعیت سیاسی

اما در جریان مناظره انتخاباتی سوم بود که به ناگاه این صف‌آرایی بر مبنای موقعیت سیاسی فروریخت. زمینه‌سازی‌ها برای صف‌آرایی بر مبنای رقابت گفتمانی در جریان رقابت‌های انتخاباتی شکل گرفته بود، اما این صف‌آرایی تنها در لحظه مناظره بود که تبلور پیدا کرده و به نمایش عمومی درآمد. تلاش برای شکل‌دهی به رقابت‌های گفتمانی مختلف در جریان مناظره سیاسی در جریان بود اما در نهایت از دل این گفت‌وگوها، دو گفتمان رقیب «مقاومت» / «نجات» حول مسئله «پرونده هسته‌ای» شکل گرفته و نامزدهای انتخاباتی در صف‌آرایی جدیدی قرار گرفتند که در «شکل 2» قابل مشاهده است. چهره کلیدی گفتمان مقاومت جلیلی بود که برای مفصل‌بندی این گفتمان از کمک حداد عادل بهره‌مند بود و در مقابل چهره شاخص گفتمان نجات روحانی بود که در مفصل‌بندی گفتمانی از کمک‌های ولایتی و عارف بهره‌می‌گرفت و تلاش‌های رضایی نیز در قالب همین گفتمان معنا پیدا می‌کرد. در نهایت قالیباف و غرضی، با غفلت از صف‌آرایی جدید شکل گرفته و تأکید بر غیریت‌هایی که نتوانست به گفتمان غالب بدل شود، نتوانستند در این رقابت گفتمانی موضع گفتمانی مناسبی برای خود بیابند و در رقابت نهایی در فضای انفعال گفتمانی قرار گرفتند.



شکل 2: نقشه صف‌آرایی نامزدهای انتخاباتی در مناظره سوم بر مبنای رقابت گفتمانی

6. تقابل‌های گفتمانی

طبق نظریه گفتمان لاکلا و موفه، گفتمان‌های رقیب با مفصل‌بندی پیرامون دال‌هایی تهی به هویت‌سازی می‌پردازند و از طریق تقابل‌های گفتمانی است که غیریت‌ها شکل می‌گیرند. بنابراین، شناسایی تقابل‌های گفتمانی مقدمه شناسایی مفصل‌بندی‌های جدید گفتمانی است. بر این اساس، تقابل‌های گفتمانی در جریان مناظره را می‌توان در قالب شش تقابل خلاصه کرد که در «جدول 1» نمایش داده شده است. در حالی که گفتمان مقاومت بر مقاومت برای حفظ عزت و شرف تاکید داشت، گفتمان نجات از لزوم نجات کشور از موقعیت بحران سخن می‌گفت. گفتمان مقاومت مسئله هسته‌ای را بهانه غرب می‌دانست، اما گفتمان نجات لزوم تسریع به نتیجه رسیدن مسئله را در اولویت قرار می‌داد. گفتمان مقاومت از اهمیت استقلال کشور سخن می‌گفت و در مقابل گفتمان نجات اثر تحریم‌ها در زندگی روزمره را برجسته می‌کرد. هر دو ارجاع تاریخی به مذاکرات گذشته داشتند و از مقاطع مختلف برای اثبات حقانیت خود و غیریت‌سازی بهره می‌گرفتند. در جدول زیر، مهم‌ترین دال‌هایی که توسط گفتمان‌های رقیب با دال مرکزی پرونده هسته‌ای در دو گفتمان مقاومت و نجات مفصل‌بندی شده‌اند، به نمایش درآمده است:

جدول 1: تقابل‌های گفتمانی در جریان مناظره

توضیحات و نمونه نقل قول‌ها در مناظره	گفتمان مقاومت	گفتمان نجات	توضیحات و نمونه نقل قول‌ها در مناظره
--------------------------------------	---------------	-------------	--------------------------------------

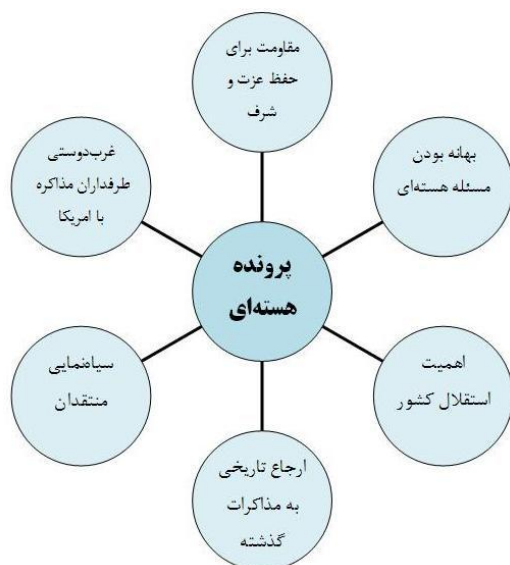


عزت و شرف ما در گرو مقاومت اقتصادی است - گفت‌وگو و مذاکره با غرب باید از موضع عزت و اقتدار باشد	مقاومت برای حفظ عزت و شرف	لزوم نجات کشور از موقعیت بحران	- کشور در وضعیت بحرانی قرار دارد و باید با تغییر در سیاست‌ها نجات باید - مقاومت باید همراه با تدبیر و عقلانیت باشد، مقاومت نباید شعاری باشد و باید منتج به نتیجه شود.
مسئله هسته‌ای بهانه غرب است. مشکل آنها با ما اصل انقلاب است	بهانه بودن مسئله هسته‌ای	لزوم تسریع به نتیجه رسیدن مسئله	- غرب در پرونده هسته‌ای به دنبال وقت‌کشی است، پرونده هسته‌ای باید از روند فرسایشی خارج شود و هرچه سریع‌تر به نتیجه برسد
حداد عادل: آقای روحانی گفتند چرخ سانتریفیوژ بچرخد، چرخ کارخانه هم بچرخد. مسئله سانتریفیوژ نیست، مسئله استقلال است. دعوا سر استقلال کشور است.	اهمیت استقلال کشور	اثر تحریم‌ها در زندگی روزمره	روحانی: ما باید همه چیز را با هم ببینیم. وقتی همه کارخانه‌ها خوابیدند وقتی مردم در زندگی روزمره‌شان مشکل دارند ...
- زیر سوال بردن سیاست خارجی دولت‌های سازندگی و اصلاحات و مذاکرات انجام شده با مسئولیت حسن روحانی - اطلاعات ارائه شده توسط منتقدان درباره روند مذاکرات انجام شده با مسئولیت سعید جلیلی غلط است. - پیشنهادات غرب به ایران «در برابر آب‌نات» بود و قابل پذیرش نبود.	ارجاع تاریخی به مذاکرات گذشته	ارجاع تاریخی به مذاکرات گذشته	- زیر سوال بردن مذاکرات انجام شده با مسئولیت سعید جلیلی: اینکه برویم و در جریان مذاکرات بیانیه بخوانیم اسمش مذاکره نیست. - دفاع از سیاست خارجی دولت‌های سازندگی و اصلاحات و مذاکرات انجام شده با مسئولیت حسن روحانی - مذاکره موفق در گذشته کشور را از جنگ نجات داد و مجدداً تکرار شود.
- اینکه پیشرفت‌ها و دستاوردهای فعلی را نادیده بگیریم درست نیست. - برخی منتقدان درباره وضع موجود سیاه‌نمایی می‌کنند.	تاکید بر سیاه‌نمایی منتقدان	تاکید بر سیاه‌زدایی منتقدان	- در مذاکرات انجام شده در دوره گذشته اشکالات فنی وجود داشته است. ما نمی‌خواهیم سیاه‌نمایی کنیم، می‌خواهیم سیاه‌زدایی کنیم.
حداد عادل: مخالفان می‌خواهند به تحریم‌کنندگان لبخند بزنند و دم کدخدا را ببینند	غرب‌دوستی طرفداران مذاکره با آمریکا	لزوم مذاکره با کدخدای اروپایی‌ها	روحانی: من گفتم اروپایی‌ها یک کدخدا دارند که امریکاست و باید همه چیز را با او چک کنند، پس بهتر است با کدخدای آنها مذاکره کنیم.

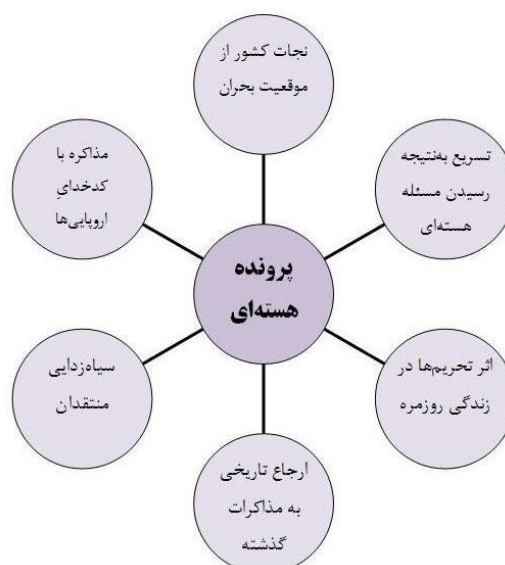
در نهایت از دل این تقابل‌های گفتمانی در جریان مناظره بود که دو گفتمان با مفصل‌بندی‌های جدید شکل گرفت. دال مرکزی در هر دو گفتمان «پرونده هسته‌ای» بود، اما هر گفتمان رقیب مفصل‌بندی‌های متفاوتی برای آن عرضه می‌کردند. در «شکل 3» مفصل‌بندی گفتمان نجات ترسیم شده که عناصر آن شامل نجات کشور از موقعیت بحران، تسریع به نتیجه رسیدن مسئله هسته‌ای، اثر تحریم‌ها در زندگی روزمره، ارجاع تاریخی به مذاکرات گذشته، سیاه‌زدایی منتقدان و مذاکره با کدخدای اروپایی‌ها بود.

در مقابل، در «شکل 4» مفصل‌بندی گفتمان مقاومت ترسیم شده که عناصر آن شامل مقاومت برای حفظ عزت و شرف، بهانه بودن مسئله هسته‌ای، اهمیت استقلال کشور، ارجاع تاریخی به مذاکرات گذشته، سیاه‌نمایی منتقدان و غرب‌دوستی طرفداران مذاکره با آمریکا بود. همان‌طور که در جدول 1 و شکل‌های 3 و 4 قابل مشاهده است عناصر این دو گفتمان در تضاد کامل با یکدیگر قرار داشته و از طریق این غیریت‌سازی است که معنا پیدا می‌کنند.

همان‌گونه که مشخص است، مفصل‌بندی گفتمانی جدید شکل گرفته در این مناظره کم و بیش دال‌هایی مشابه‌اند که مدلول‌ها و فضای معنایی متفاوتی پیرامون آن‌ها شکل گرفته است. این موضوع به خوبی متناسب با کاربست نظریه گفتمان لاکلا و موفه است که شکل‌گیری امر اجتماعی را به امر گفتمانی نسبت می‌دهند و عمل مفصل‌بندی را شکل دادن به توده بی‌سروشکی از معانی اجتماعی در نظر می‌گیرند.



شکل 4: مفصل‌بندی گفتمان مقاومت



شکل 3: مفصل‌بندی گفتمان نجات

در حالی که تقابل‌های گفتمانی شکل گرفته از طریق مفصل‌بندی در این مقاله به خوبی شناسایی شده است، سرریز معنا یا حوزه گفتمان‌گویی را نیز می‌توان با مراجعه به نحوه حضور قالیباف در این مناظره به خوبی شناسایی کرد. او در این مناظره تلاش می‌کرد تقابل‌هایی را مفصل‌بندی کند که اساساً رابطه‌ای با فضای استعاری زمان برگزاری انتخابات نداشت. برای مثال تقابل جنگ در برابر دیپلماسی (در نزاع با ولایتی و با اشاره به توپ خوردن رزمندگان هنگامی که ولایتی با میتران قهوه می‌خورد) یا تقابل نگاه اصلاح‌طلبانه در برابر امنیتی (پیش از رسیدن به برهه حساسی که روحانی با کلیدواژه «من سرهنگ نیستم» قالیباف را خلع سلاح کرد)، نشان می‌دهد که قالیباف برخلاف جلیلی نتوانست به‌درستی عمل مفصل‌بندی گفتمانی را انجام دهد. بدین ترتیب بدون داشتن گفتمانی رقیب و بدون قرار گرفتن در یکی از دو موضع گفتمانی مقاومت و نجات، او در فضای انفعال گفتمانی باقی ماند و در نهایت با وجود پیش‌تاز بودن در نظرسنجی‌های پیشین، به ناگهان اقبال مردم به خود را در روزهای آخر از دست داد.

7. بحث و نتیجه‌گیری

رقابت انتخاباتی یازدهم بر مبنای صف‌آرایی سیاسی آغاز شد. رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی حول دو گانه اصول‌گرا / اصلاح‌طلب فعالیت انتخاباتی‌شان را سامان دادند و در ادامه رقابت جریان سوم اعتدال‌گرایی نیز به‌عنوان یک مدعی جدید مطرح شد. اما در نهایت این رقابت‌های سیاسی نبود که سرنوشت انتخابات یازدهم را رقم زد. در ماه‌های منتهی به انتخابات فضای کشمکش سیاسی پیرامون دو موضوع مشکلات اقتصادی و آینده پرونده هسته‌ای وجهی استعاری یافت و کم‌کم به تصور اجتماعی غالب برای مواجهه با مشکلات اجتماعی موجود و خلق گفتمانی جدید در برخورد با گفتمان هژمونیک مستقر در هشت سال گذشته شد. آخرین مناظره تلویزیونی کاندیداهای ریاست جمهوری یکی از اصلی‌ترین برهه‌هایی است که به طور نمادین، پرونده هسته‌ای ایران را به عنوان دال محوری گفتمان‌های رقیب تبدیل کرد و عناصر دیگر گفتمانی از جمله مشکلات اقتصادی را با آن مفصل‌بندی کرد.

نتایج این پژوهش نشان داد که جلیلی و روحانی نماد دو گفتمان و تعیین‌کننده سرنوشت انتخابات یعنی گفتمان‌های نجات و مقاومت بودند. آنها توانستند با برجسته‌سازی موضوع سیاست خارجی، پرونده هسته‌ای را به دال مرکزی گفتمان‌های انتخاباتی تبدیل کنند و گفتمان‌های دیگری را به حاشیه برانند. این دو از حمایت نامزدهای دیگری برخوردار بودند و برخی نامزدها که تلاش می‌کردند دال‌های مرکزی دیگری را برگزینند و از ورود مستقیم به بحث سیاست خارجی پرهیز کنند از فضای رقابت دوگانه نجات/مقاومت بازمانده و در فضای انفعال گفتمانی قرار گرفتند که مهم‌ترین مصداق آن محمدباقر قالیباف بود.

این مقاله ضمن مطالعه موردی رقابت انتخاباتی ریاست‌جمهوری دوره یازدهم ایران، استفاده از تحلیل گفتمان را به‌عنوان یکی از ابزارهای قابل استفاده در آینده‌پژوهی انتقادی معرفی می‌کند. تحلیل گفتمان در دل آینده‌پژوهی انتقادی مطرح می‌شود که برخلاف آینده‌پژوهی پوزیتیویستی با هدف پیش‌بینی انجام نمی‌شود، بلکه مبنای معرفت‌شناسانه پساساختارگرا دارد (عنایت‌الله، 1990 و 1993). به‌عبارت دیگر این مقاله نگاهی متفاوت از نگاه‌های مرسوم به آینده‌پژوهی را مطرح می‌کند که عمدتاً آینده‌پژوهی را مترادف با پیش‌بینی تلقی می‌کنند. از منظر معرفت‌شناسانه در رویکرد پساساختارگرا که آینده‌پژوهی انتقادی در آن تعریف می‌شود، قوانین ثابت بر جهان حکم‌فرما نیست و فهم جهان گیج‌کننده تلقی می‌شود و نباید به‌دنبال پیش‌بینی‌های ساده و کمی بود (مولایی، 1393). از این منظر زبان نقش بی‌طرفانه و منتقل‌کننده صرف واقعیت را ندارد، بلکه مشارکت مبهمی در ساخت واقعیت دارد و علاوه بر این گرامر زبان هم سیاسی است.

از این روست که مناظره تلویزیونی به‌عنوان یک متن رسانه‌ای با استفاده از روش تحلیل گفتمان که تاکید قابل توجهی بر زبان دارد تحلیل شده است و نتایج این تحلیل دستاوردهایی برای آینده‌پژوهی انتخابات داشته است. روش معرفی شده در این پژوهش می‌تواند در انجام آینده‌پژوهی لایه‌ای استفاده شده و شناخت قابل توجهی از لایه گفتمان ایجاد کند. به‌عنوان مثال در «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» که روش پیشنهادی سهیل عنایت‌الله است می‌توان ابزار تحلیل گفتمان لاکلا و موفه را برای انجام تحلیل لایه سوم انجام داد که در این مقاله این تحلیل در موضوع آینده‌پژوهی انتخابات انجام شده است.

در پایان، این پژوهش پس از رقم خوردن نتایج انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد که می‌توان از این روش نه تنها به‌عنوان یکی از ابزارهای آینده‌پژوهی انتقادی استفاده کرد که همچنین می‌توان از آن به‌عنوان یکی از ابزارهای کیفی مطالعه آینده انتخابات نیز بهره برد. در چارچوب آینده‌پژوهی انتقادی تحلیل گفتمان شیوه بر ساخته شدن روابط قدرتی را افشا می‌کند که در زمان حال بر ساخت صحنه سیاسی در آینده را رقم می‌زند. در چارچوب آینده‌پژوهی پیش از برگزاری انتخابات نیز می‌توان از نتایج تحلیل گفتمان به‌عنوان ابزاری ترکیبی و تکمیلی یا ابزاری مقایسه‌ای در کنار ابزارهای دیگری مانند افکارسنجی و نظرسنجی یا روش‌های نوین‌تری مانند ابداع‌های ترکیبی (مولایی، 1392) و یا بازی پیش‌بینی (مولایی و طالبیان، 1393) بهره برد. اگرچه، با وجود پژوهش‌های به‌نسبت گسترده‌ای که در حوزه مطالعاتی تحلیل گفتمان صورت گرفته است، استفاده از آن در حوزه آینده‌پژوهی فاقد پیشینه و نیازمند پژوهش‌های تکمیلی در برهه‌های دیگر انتخاباتی است.

مراجع

- [1] تاجیک، محمدرضا، روزخوش، محمد (1387). «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال 16، شماره 61.
- [2] تنهایی، ابولحسن، راوردراد، اعظم و مریدی، محمدرضا (1389). «تحلیل گفتمان هنر خاورمیانه: بررسی شکل‌گیری قواعد هنری در جامعه نقاشی معاصر ایران». فصلنامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. سال دوم، ش 2، صص 7-40.

- [3] جهانگیری، جهانگیر، فتاحی، سجاد (1390). تحلیل گفتمان محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم. مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره پنجم، شماره 3.
- [4] راودراد، اعظم، سلیمانی، مجید، حکیمی، رویا (1391). «تحلیل بازنمایی گفتمان‌های دینی در سینمای ایران: مطالعه موردی فیلم کتاب قانون». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. دوره اول، شماره 1.
- [5] سلطانی، سیدعلی اصغر (1384). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
- [6] سلطانی، سیدعلی اصغر (1386). «تحلیل گفتمانی فیلم‌های سیاسی-اجتماعی: نگاهی به «پارتی» سامان مقدم». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره 9.
- [7] فرکلاف، نورمن (1379). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- [8] کسرای، محمد سالار، پوزش شیرازی، علی (1390). «تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه (1358-1376)». فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره 41، شماره 3.
- [9] محسنی، زهره (1388). «واکاوی گفتمان‌های دینی (اسلامی - شیعی) در وبلاگستان زبان فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [10] مولایی، محمد مهدی (1390). «مردانگی در موسیقی رپ ایرانی-فارسی در دهه 1380». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [11] مولایی، محمد مهدی (1392). «پیش‌نگری دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری ایران با استفاده ترکیبی از روش‌های تحلیل چندمعیاره و شگفتی‌سازها». تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دومین همایش ملی آینده‌پژوهی.
- [12] مولایی، محمد مهدی (1393). «پارادایم‌های تفکر و پژوهش درباره آینده». ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی.
- [13] مولایی، محمد مهدی، طالبیان، حامد (1393). «تحلیل عملکرد خبرگان پیش‌بینی‌کننده: مطالعه نتایج بازی پیش‌بینی انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم». تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سومین همایش ملی آینده‌پژوهی.
- [14] میلز، سارا (1388). گفتمان. ترجمه فتح محمدی. هزاره سوم، زنجان.
- [15] هوارث، دیوید (1379). نظریه گفتمان (مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی). ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
- [16] وندلیک، تئون (1387). مطالعاتی در تحلیل گفتمان. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- [17] یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (1389). تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. نی، تهران.

- [1] Bell, Wendell (2003). Foundations of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge, Transaction Pub.
- [2] Inayatullah, Sohail (1990). Deconstructing and Reconstructing the Future: Predictive, Cultural and Critical Epistemologies, Futures 22(02): 115-141
- [3] Inayatullah, Sohail (1993). Methods and Epistemologies in Futures Studies, The Knowledge Base of Futures Studies 1: 203-186
- [4] Inayatullah, Sohail (1998). Causal Layered Analysis: Poststructuralism as Method, Futures 30(7): 815-829
- [5] Inayatullah, Sohail (2006). Anticipatory Action Learning: Theory and Practice, Futures 38(6): 666-656
- [6] Laclau, Ernesto, Mouffe, Chantal (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. Second Edition. London: Verso